

## بررسی التوسل الی الترسل بهاءالدین بغدادی

و معرفی نسخ نویافته

سهیلا یوسفی\*

### چکیده

التوسل الی الترسل تألیف بهاءالدین محمدبن مؤید بغدادی، نمونه‌ای فاخر از انشای فارسی در قرن ششم هجری و از مهم‌ترین منشآت باقی مانده از متون کهن است که به دلایلی از جمله پختگی نثر و دربر داشتن اطلاعات مهم تاریخی در شمار متون باارزش و اسناد مهم تاریخی قرار می‌گیرد. این کتاب تا کنون یکبار و آن هم در سال ۱۳۱۵ از روی دو نسخه خطی قدیمی به تصحیح زنده یاد احمد بهمنیار منتشر شد که به واسطه برخی نواقص نسخ و اتکاء بیش از حد مصحح بر یک نسخه تصحیح کاملی نیست. بنا به اقرار خود مصحح در مقدمه کتاب، هیچ یک از دو نسخه مورد استفاده‌اش از سهو و خطا و تصرفات ناسخان مصون نمانده است؛ بنابراین با پیدا شدن نسخ دیگری از این اثر که در بسیاری موارد ضبطهای بهتری دارند تصحیح دوباره التوسل ضروری می‌نماید. این نوشتار ضمن معرفی نسخه‌های نویافته التوسل، نمونه‌هایی از خطاهایی را که به نسخه چاپی آن راه یافته است، نشان می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: التوسل الی الترسل، بهاءالدین بغدادی، نسخ خطی، تصحیح، بهمنیار.

## مقدمه

کتاب *التوسل الی التوسل* مجموعه‌ای است از منشات بهاء‌الدین محمدبن مؤید بغدادی، منشی علاء‌الدین تکش خوارزمشاه که در قرن ششم هجری می‌زیسته است. بنا به گفته مؤلف در فصل آغازین کتاب، به اصرار معی که سبک انشاء او را می‌پسندیده‌اند قسمتی از مکاتیب و رسالات خود را فراهم آورده و از مجموع آنها این کتاب را مدون ساخته است.

*التوسل* مشتمل است بر دیباجه و دو فصل مقدمه مانند و سه قسم. دیباجه در حمد خداوند و نعت پیامبر و آل و اصحابش و ستایش سلطان وقت و سبب تألیف کتاب است. دو فصل اثر به منزله مقدمه آن است. فصل اول را به مدح و ثنای بهاء‌الدین وزیر اختصاص داده و در فصل دوم مختصری مفید در انشاء فارسی و سبکهای مختلف نویسندگان و سبک و طریق خویش بیان کرده است.

و اما سه بخش اصلی کتاب: قسم اول فرمانها و مناشیر دیوانی و عهدنامه‌ها و فتح‌نامه‌ها را در برمی‌گیرد؛ قسم دوم نامه‌هایی است که از جانب سلطان به امیران و ملوک اطراف نوشته شده، و قسم سوم اخوانیات یا همان نامه‌های خصوصی و دوستانه و ملاطفاتی است که خود مؤلف به بزرگان عهد و دوستانش نوشته است. در انتها چند قطعه انشاء آورده و کتاب را با یک قصیده پارسی در وصف حال خود و توصیف کتاب و یک قصیده تازی در مدح بهاء‌الدین وزیر به پایان برده است (بهنیار، مقدمه *التوسل* ← بغدادی).

از ویژگیهای مهم این کتاب حداقل می‌توان به دو مورد اشاره کرد: نخست اینکه *التوسل* از دیدگاه ادبی، به‌خصوص تطور نثر فارسی اهمیت زیادی دارد و نمونه بارزی از انشای فارسی قرن ششم است که بزرگان از گذشته تا به امروز بر این امر اقرار دارند. به نوشته صفا (۱۳۶۳: ۹۷۴/۲) *التوسل* «از سرمشکهای مشهور مترسّلین و بلغای زمان» است. محمد عوفی (*جوامع الحکایات*، ج ۱، ص ۱۳۹) آن را دارای «نثری مصنوع و دلگشای و نظم مطبوع و جان افزای» می‌داند. وراوینی (*مرزبان‌نامه*، ۱۳۷۶، ص ۷) آورده است:

و رسالات بهاء‌الدین بغدادی منشی حضرت خوارزم که به رسالات بهایی معروفست و اگر

بهایی باشد به ثمن هر جوهر ثمین که ممکن بود حصیاتی که در مجاری انهار بیانش یابند، ارزان و رایگان نماید.

بهار در سبک‌شناسی خود می‌نویسد:

نگارش التوسل در اصل فنی است و ترادف و موازنه و سجع و اطناب بسیار دارد و در این قسمت‌ها از حیث پختگی انشا و استواری نثر و رعایت قواعد دستوری بی‌مانند است (۱۳۵۵: ۳۷۹/۲).

دیگر اینکه التوسل از دیدگاه تاریخی به سبب اشتغال بر وقایع دوره خوارزمشاهیان و معاصران آنان، و به‌ویژه بررسی ساختار نامه‌های دیوانی سده ششم و همچنین حالات و رفتار مردم و بزرگان آن دوره درخور توجه است. مرحوم قزوینی در مقدمه نسخه پاریس نوشته است:

مخفی نماند که این کتاب هم از لحاظ ادبی یعنی برای مقایسه بین طرق مختلفه انشا نثر فارسی در اعصار مختلفه و تحصیل ملکه کتابت از ممارست اسالیب متنوعه مذکوره و هم از لحاظ تاریخی به واسطه اشتغال آن بر اشارات کثیره به بسیاری از وقایع تاریخی اواخر دوره خوارزمشاهیه و معاصرین ایشان از غوریه و اتابکان آذربایجان و غیره هم فوق‌العاده مهم است.

متأسفانه این متن به رغم اشتهار در شیوه کتابت و نامه‌نگاری، کمتر مورد توجه مصححان قرار گرفته، تا بدان جا که از این اثر تنها یک چاپ در اختیار است و آن هم تصحیحی است که زنده‌یاد احمد بهمنیار در سال ۱۳۱۵ (یعنی قریب به هشتاد سال پیش) انجام داده است. این تصحیح زمانی صورت گرفته که از منشآت بغدادی تنها دو نسخه در دسترس بود. بنا به اقرار خود مصحح در مقدمه کتاب، هیچ‌یک از دو نسخه مورد استفاده او از سهو و خطا — و یکی بالخصوص از تصرفات ناروای ناسخ — مصون نمانده است، و متأسفانه لغزشهایی از خوانش متن نیز در آنها راه یافته است. جدا از این، در برخی از موارد، مصحح محترم ضبط نادرست را با وجود ضبط بهتر در نسخه بدل و تنها برای پایبندی به یک نسخه به عنوان اساس به متن وارد کرده است که چنین کاری وقتی باعث بدخوانی و نامفهومی متن می‌شود،

درست نمی‌نماید؛ به‌ویژه که مصحح خود در بسیاری موارد به نادرستی متن در پاورقیها اشاره کرده و حدس درست خود را در ذیل همان صفحه با علامت (ظ) و در جدول انتهای کتاب مفصل‌تر نوشته است. آن گونه که بهمینار در مقدمه نوشته است «... وزارت معارف مقتضی چنان دید که از مقابله دو نسخه، نسخه ثالثی که محتویات هر دو را شامل و برای استفاده طالبان مناسبتر باشد تهیه شود» (ز)؛ اما همان طور که خود ایشان هم گفته است (مقدمه، یح) در نسخه چاپی شاهدیم که مصحح تنها نسخه لیدن را با حفظ همان ضبطها — که در بسیاری موارد از اشتباه و نادرستی خالی نیست — متن قرار داده است و توجهی به ضبطهای نسخه بدل نکرده است.

آشکار است که اگر از اثری چند نسخه موجود باشد، انتشار آن متن تنها با تکیه بر یک نسخه و کنار نهادن نسخ دیگر، چندان علمی نیست و احتمال خطا و لغزش در حاصل کار، بسیار است.

همچنین زمانی که از یک کتاب، نسخه دیگری به دست نیاید و یا تنها یک نسخه بدل موجود باشد، و نسخه بدل و نسخه اساس هر کدام در بخشهایی افتادگی داشته باشند که افتادگیها هم پوشانی ندارند، و یا نسخه اساس ناخوانا، ناقص و نادرست است مصحح به ناچار باید در چنین مواردی بر همان تک نسخه منحصر به فرد تکیه نماید و با استفاده از مهارت خود در علوم و فنون متعدد و تسلط و احاطه‌اش بر متن کار تصحیح را به سرانجام برساند.

این اتفاق در تصحیح *التوسل* افتاده است، زیرا در دو نسخه لیدن و پاریس، که در اختیار مصحح بوده، یکی در آغاز و دیگری در پایان افتادگیهایی دارد و زنده‌یاد بهمینار تصریح می‌کند که در این قسمتها تصحیح حدسی کرده است. اکنون با در اختیار داشتن نسخ دیگری از *التوسل* و مقابله این بخشها با آن نسخ نتیجه می‌گیریم که تشخیص مصحح در برخی موارد نادرست بوده و در مواردی هم که تشخیص درست داده آن را در پاورقی آورده است. بی‌شک زنده‌یاد بهمینار از شایسته‌ترین افراد برای انجام این تصحیح بوده است اما دسترسی نداشتن به نسخه‌های مهمی که

بعدها پیدا شد، کاستیهایی را به چاپ ایشان وارد کرده که در این نوشتار به برخی از آنها اشاره می‌شود.

دو نسخه نویافته در قیاس با نسخه‌های مورد استفاده بهمینار دارای ضبطهای بهتری است، و بسیاری از اشکالات موجود در نسخه چاپ شده را آشکار می‌کند. همچنین ضبطهای این نسخ در بسیاری موارد با ضبط نسخه بدل بهمینار - که مصحح آنها را در پاورقی آورده است - برابرند، و این نشان می‌دهد که مصحح محترم در برخی موارد بیش از حد مطلوب پایبند نسخه لیدن مانده است.

نگارنده این سطور با در اختیار داشتن چندین نسخه از التوسل - که در ادامه به آن اشاره می‌شود - و ضبطهای آن با نسخه چاپی التوسل مقابله و تصحیح دوباره‌ای از متن را در دست انجام دارد که امید است در آینده‌ای نزدیک در اختیار اهل ادب و دوستان نثر فارسی قرار گیرد.

#### نسخ خطی موجود از التوسل

در حال حاضر از این اثر شش نسخه وجود دارد که پنج نسخه در اختیار نگارنده است. از این تعداد چهار نسخه آن کامل - البته با برخی افتادگیهای جزئی در متن - و یک نسخه به صورت گزیده است. بهمینار در تصحیح خود از دو نسخه بهره گرفته است:

#### نسخه کتابخانه لیدن به شماره ۵۸۶ و به تاریخ کتابت ۶۶۸ هجری

این نسخه ۱۳۴ ورق دارد و به خط نسخ روشن و خوانا کتابت یافته است. در رسم الخط و املاء (مخصوصاً در مورد کلماتی که طرز نوشتن قدیم و جدید آن متفاوت است) اختلافاتی دارد و شش برگ آخر کتاب به رغم مرتب بودن اعداد پیش و پس شده است. نسخه لیدن بسیار مورد توجه بهمینار و اساس کار او بوده است. مصحح در مقدمه کتاب مفصلاً به آن پرداخته است (بهمینار، مقدمه، ط). این نسخه به دو قصیده تازی و عربی پایان می‌یابد که خود مؤلف به ختم مجموعه‌اش بدان دو قصیده تصریح کرده است.

نسخه کتابخانه ملی پاریس به شماره ۱۳۳۶۹ و به تاریخ کتابت ۶۸۴ هجری نسخه پاریس ۱۲۸ ورق دارد و بنا به تشخیص بهمنیار در صحت و اعتبار به مراتب کمتر از نسخه لیدن است. «زیرا نویسنده آن علاوه بر اینکه در غلط‌نویسی دستی توانا داشته تصرف در اصل نسخه را نیز پسندیده می‌دانسته است» (بهمنیار، مقدمه، ی.ب). «و از جمله تصرفاتش اشعاری است که بعد از بیشتر شعرهای فارسی و تازی مؤلف برای تمثیل و استشهاد آورده و خود غالباً در بالای بیت‌های الحاقی یا مقابل آن در حاشیه لفظ (زائد) یا حرف (ز) رسم کرده و در آخر کتاب هم صراحتاً به آن اعتراف کرده است» (همان، ی.ج).

به گمان بهمنیار نسخه لیدن که تاریخ کتابتش ۱۶ سال پیش از نسخه پاریس بوده صحیح‌تر و در ترتیب منظم‌تر است (برای توضیحات بیشتر در مورد این نسخه، نک: بهمنیار، مقدمه، ط.).

این نسخه در انتها پس از قصیده عربی، رساله مفصلی را در حبس شادیاخ اضافه دارد که بهمنیار در پاورقی قید کرده این نوشته از مؤلف *التوسل* است (۳۲۲-۳۲۳). اما عجیب آنکه علامه قزوینی در مقدمه نسخه پاریس - که بهمنیار آن را در دست داشته - می‌نویسد:

نسخه پاریس علاوه بر *التوسل الی التوسل* از ورق ۱۲۸ به بعد مشتمل است بر مجموعه‌ای از منشآت دوره سلاجقه روم و نیز بر بعضی مکاتیب که مابین سلطان جلال‌الدین منکبرنی آخرین خوارزمشاهیان و سلطان علاء‌الدین کیقباد از سلاجقه روم مبادله شده است و این مکاتیب اخیر قطعاً و بدون هیچ شکی از انشا نورالدین محمد نسوی منشی سلطان جلال‌الدین مذکور و مؤلف دو کتاب مشهور *سیره جلال‌الدین منکبرنی* و *نفته‌المصدر* است و اصلاً خود نسخه نیز یادگار همان اعصار یعنی اواخر دوره سلجوقیه روم است.

مصحح *التوسل* هیچ اشاره‌ای به این نوشته قزوینی نکرده و حتی دلایلی هم برای رد و یا اثبات نظر خود نمی‌آورد. به این دلیل که بخش مذکور جزو اصلی متن نیست و به عنوان پیوستی در انتهای نسخه آمده قصد نداریم در این مقاله به آن بپردازیم، بلکه ذکر این نکته تنها به عنوان شاهد و نمونه‌ای از موارد مبهم و اشتباهاتی که در چاپ *التوسل* وجود دارد، آورده شد.

و اما نسخه‌های دیگری که در زمان بهمنیار اطلاعی از آنها در دست نبوده و طبیعتاً در تصحیح او مورد استفاده قرار نگرفته‌اند:

#### نسخه کتابخانه مجلس به شماره ۵۳۲۰

این نسخه ۲۴۵ برگ دارد و در هر صفحه ۱۵ سطر. به خطی خواناست که متأسفانه در ابتدا چند صفحه افتادگی دارد و برگ آخر آن نیز موجود نیست. البته نسخه از میانه نیز کاستیهایی دارد. تاریخ کتابت نسخه در برگ نخست آن قرن هفتم هجری ذکر شده و همچنین در این برگ یادداشتی آمده است که نشان می‌دهد نسخه روزگاری در تملک رضاقلی خان هدایت صاحب مجمع الفصحا بوده است:

مجموع التوسل الی التوسل از منشآت و تلفیقات جناب ملک الکتاب بهاء الدین محمد المنشی البغدادی الخوارزمی کاتب الخضره به خوارزمشاه سلطان تکش خان داخل کتب قصر رضاقلی هدایت شد.

ظاهر نسخه مرتب و پاکیزه به نظر می‌رسد، اما در مواردی ناخواناست. این نسخه نسبت به دیگر نسخ خطی التوسل چون نسخه لیدن دارای ضبظهای بهتری است. نسخه مجلس از نظر ترتیب مطالب با نسخ دیگر نیز تفاوتهایی دارد. خط نسخه نسخ زیبایی است. عنوانهای نسخه در بسیاری موارد به شنگرف نوشته شده و در برخی موارد با همان خط سیاه متن و البته کمی درشت‌تر. نسخه سالمی است و تقریباً در حواشی صفحات آن مطلبی به چشم نمی‌خورد. در برخی موارد کلمات آن مشکول‌اند.

از ویژگیهای این نسخه وجود معانی برخی لغتها در ذیل آنهاست که به رنگ قرمز نوشته شده است. شباهت میان خط این نوشته‌های قرمز رنگ و خط متن این گمان را به ذهن متبادر می‌کند که نویسنده این معانی نیز خود کاتب بوده است. به هر حال، کهنگی قلم نشان از دیرین بودن این نوشته‌ها بر نسخه دارد. افزون بر این، وجود این معانی به خط کهنه در نسخه می‌تواند نشان دهنده آن باشد که التوسل به عنوان یک کتاب درسی در گذشته مورد استفاده و تعلیم قرار می‌گرفته است.

نسخه مجلس از لحاظ رسم الخطی واجد تمام ویژگیهای خطی نسخ قرون هفتم و هشتم است. از جمله اینکه دال معجم تقریباً همه جا با نقطه مسطور است (بدید=پدید؛ باید=باید؛ بازشاهی=پادشاهی؛ بشود=بشود)؛ کاف اعجمی بدون سرکش آمده (بندگی = بندگی؛ همگنان = همگنان)، پ و چ را در همه موارد به یک نقطه مانند ب و ج نوشته است (بی = پی؛ سپهر = سپهر؛ بسندیده=پسندیده؛ هرچه=هرچه، چهره=چهره، ملک بروری=ملک پروری)؛ از همزه در میانه کلمات استفاده نکرده است (مطمین، تالیف، تاخیر، ایمه، موانست، جرأت)؛ که و چه را گاهی به هاء مخفی و گاهی با یاء (کی، چی) نوشته و این اختلاف در ترکیبات این دو کلمه به شکل استفاده از هاء مخفی دیده می شود (آنچه = آنچه، بازانکه = بازانک). کلمات مختوم به الف در حالت اضافه هم با ی و هم با همزه (البته به ندرت) و هم بدون هر دو با افزودن مد بر روی الف نوشته شده است (ثنای دولت، نداء حیوة، هنرها بازشاهانه). در کلمات خدایی و توانایی و امثال آن، دو یاء را گاهی درست و گاه به شکل یک یاء (خدای، توانای) نوشته و از همزه به جای «ای» (نسخه به جای نسخه‌ای؛ طبقه = طبقه‌ای) استفاده کرده است.

این نسخه با قصیده عربی تمام می شود و بخشی با عنوان «و من کلامه فی بعض الایمة و هو شهاب الدین الخیوقی» در اوایل نسخه (گ ۱۸) دارد که در دیگر نسخ یافت نشد. از یک سو نثر این بخش اضافه با باقی متن التوسل متفاوت و دارای ضعفها و ناپختگی است که عدم انتساب آن را به بغدادی محتمل می سازد و نبود آن در دیگر نسخ التوسل این احتمال را بیشتر می کند؛ و از سوی دیگر همزمانی و هم مکانی شیخ شهاب الدین با مؤلف التوسل احتمال مکاتبه میان آن دو را تقویت می نماید. باری، بررسی اصالت و یا عدم اصالت این بخش از التوسل مجالی جداگانه می طلبد. عکس صفحه آغازین این نسخه در انتهای این مقاله نشان داده شده است.

نسخه نورعثمانیه به شماره ۴۳۰۰

نسخه نورعثمانیه ۱۳۷ برگ ۲۱ سطری دارد که خوشبختانه در ابتدا و انتها



افتادگی ندارد و نسبت به دیگر نسخ موجود التوسل کامل تر است. ترتیب مطالب در این نسخه به نسخه لیدن و نیز پاریس نزدیک است. در انتهای نسخه و پس از اتمام متن التوسل مطلبی افزوده دارد و آنگونه که کاتب می نویسد منسوب به بهاءالدین بغدادی است. این بخش «الرسالة الحبسية المنسوبة اليه ايضا» نام دارد و ۱۶/۵ برگ (۳۳ صفحه) است.

در برگ نخست آن دو مهر وجود دارد که خوانا نیست. این نسخه نیز در قرن هفتم کتابت شده و در ترقیمه آن آمده است:

تمت الرسالة الحبسية بعون الله خالق البرية ماعلقه العبد الضعيف المحتاج الى رحمة الله تعالى و غفرانه ابوالمجد رمضان بن محمود الكاتب الخريبي [؟؟] احسن الله عواقب امره و ذلك في العاشر من شهر المبارك شعبان سنة ۶۶۲ و الحمد لله على نعمه و الصلوة على نبيه محمد واله وسلم تسليما كثيرا كثيرا.

از ویژگیهای نسخه آن است که ترتیب حروف تهجی در آن رعایت شده است؛ استعمال ذال معجم (سببگذاری، بدین) نیز نشان از کهنگی آن دارد. این نسخه، همه ویژگیهای نسخ کهن را که در معرفی نسخه ۵۳۲۰ مجلس بدان اشاره شد (مانند رعایت حروف تهجی، استعمال ذال معجم، ضبط کی و جی به جای که و چه، استفاده از ج به جای چ و ...) داراست.

نسخه نورهثمانیه از نظر رسم الخطی پیرو قواعد و سبک کتابت در قرن هفتم است و شباهتهای زیادی با نسخه مجلس دارد. در برخی موارد کلمات آن مشکول است. عنوانها با خطی هماهنگ با خط متن فقط درشت تر و با قلم سیاه نوشته شده اند. نسخه نورهثمانیه، مانند نسخه پاریس پس از اتمام قصیده عربی، بخشی را در ادامه آورده است (نک: پایین تر). شباهت میان ضبطهای این نسخه با متن چاپی التوسل (حتی در مواردی که ضبط متن نادرست به نظر می رسد) این نکته را به ذهن می آورد که شاید نسخ لیدن و نورهثمانیه از روی یک نسخه واحد کتابت شده باشند. نسخه نورهثمانیه در سال ۱۳۳۵ توسط مجتبی مینوی برای کتابخانه دانشگاه تهران عکس گرفته شد. عکس صفحه نخست این نسخه نیز در انتهای مقاله آمده است.

به تازگی از وجود دو نسخه دیگر از *التوسل* خبر یافته‌ایم که یکی متعلق به کتابخانه ینی جامع ترکیه به شماره ۱۰۰۰ است که ظاهراً کامل است. خط آن نسخ کتابتی خوانای احمدبن محمدبن عبدالجلیل الهروی و به تاریخ کتابت ۶۳۵ق در ۲۲۶ برگ پانزده سطری است. از این تاریخ کتابت بر می‌آید که گویا کهن‌ترین نسخه شناخته شده *التوسل* باشد که در تصحیح دوباره این اثر باید مورد استفاده قرار گیرد. دیگر نسخه موجود در کتابخانه فاتح ترکیه به شماره ۴۱۲۴ مورخ ۶۶۹ق است که گزیده‌ای از متن است. نگارنده برای انجام تصحیح *التوسل* در صد دسترسی به این نسخ نیز برآمده است.

#### ضرورت تصحیح مجدد

اکنون می‌پردازیم به بیان کاستیهای ویرایش استاد بهمنیار از *التوسل* و مواردی را ذکر می‌کنیم که نسخه‌های خطی جدید، آن ویرایش را تصحیح می‌کنند. ذکر این نکته ضروری است که در سراسر این مقاله، نسخه نورعثمانیه با علامت اختصاری (ن)، مجلس (م)، لیدن (ل)، و نسخه پاریس با علامت (پا) مشخص شده است. همچنین اعداد داخل پرانتز بعد از ذکر نمونه‌ها، نشان‌دهنده شماره صفحات متن چاپی *التوسل* است.

#### ذکر نمونه‌ها

اشکالات نسخه چاپی *التوسل* را می‌توان ذیل سه عنوان: ضبطهای نادرست، بدخوانیهای مصحح، و افتادگیها دسته‌بندی کرد.

#### ضبطهای نادرست

#### الف. نمونه‌ها از نشر

— اگر چه از این صنعت آب روی نمی‌خواهم آبی در جوی کتابت تیره می‌دارم (۱۰).

این عبارت در ن (گ ۵پ) به شکل «اگر چه از این صنعت آب روی نمی‌جویم هم آبی از جوی کتابت برمی‌دارم» و در م (گ ۱پ) به صورت «اگر چه از این

صنعت آب روی نمی‌جویم هم آبی در جوی کتابت تازه می‌دارم. «آمده است. به نظر نگارنده صورت اخیر صحیح است زیرا «آب در جوی تیره کردن» نمی‌تواند در اینجا معنای مناسبی داشته باشد. درست نمی‌نماید که شخص به رغم آگاهی از نادرست بودن کاری، به انجام آن اقدام کند. به خصوص که مؤلف این عبارت را در جایی می‌آورد که در حال زمینه‌چینی و بیان علل کار خویش و به نوعی به دنبال تفاخر است و می‌گوید: «پس من اگر چه از افراد ائمه این امت نباشم، باری در صف مقتدیان قدمی می‌گذارم و اگر چه در عداد منتهبان براءت نیایم، آخر در جوار مبتدیان صناعت روزگار می‌گذرانم...»

— در نسخ سخن نهجی اختیار کرده‌ام جامع همه ابواب و نوعی گزیده‌ام مرکب از همه اقسام (۱۰).

این عبارت در م (گ ۱ پ) به صورت «در نسخ سخن نهجی اختیار کرده‌ام جامع از همه ابواب و نوعی گزیده‌ام مرکب از همه اقسام» و در ن (گ ۵ پ) به صورت «در نسخ سخن منهجی اختیار کرده‌ام جامع همه ابواب و نوعی گزیده‌ام مرکب از همه اقسام» آمده است. با توجه به معنی جمله (نسخ سخن) و نیز به دلیل رعایت وزن در بافت جمله و موازنه که یک شیوه متداول در نثر فنی قرون ششم و هفتم است، قرار گرفتن «نهج» در کنار «نسخ» صحیح‌تر است.

— حالی زبان وقیعت بر مقتضی میل طبیعت دراز کند و صد فضولی دیگر به طفیل او آستین به پوستین کردن آن بازنوردند و دامن به طلب معایب و مثالب آن برنوردند (۱۱).

ضبط م (گ ۲ ر) به جای واژه «فضولی»، «فضول» است که صحیح‌تر می‌نماید. همچنین واژه «برنوردند» در م و ن (گ ۵ پ) «برزند» ضبط شده که ضبط درست این است. ترکیب «دامن ... برزدن» نمونه‌های دیگری در خود التوسل نیز دارد. از جمله: «آستین شره باز برده و دامن حرص بر زده» (۷۲)، که همه نسخه بدل‌های التوسل نیز این ضبط را تأیید می‌کنند (نک: ن: گ ۲۹ پ؛ م: گ ۴۰ ر؛ ل: ۳۳ ر). «دست به دامن فرار زد» (۱۲۹)؛ «زندگانی فلان در دولتی کی دست در دامن دوام زند» (۲۴۳) نمونه‌های دیگری برای این تعبیر است.

— حامل بر اختیار این شیوه و باعث بر ابتهاج این طریق دو موجب است (۱۱). نسخه بدل بهمنیار (پا) و نیز م به جای ابتهاج واژه «انتهاج» را ضبط کرده که با توجه به معنای جمله صورت درست‌تر همین واژه است. انتهاج به معنی راه جستن، سلوک و روش در فرهنگها آمده است (فرهنگ معین، ذیل انتهاج). در *الترسل* باز نمونه‌های دیگری از کاربرد انتهاج دیده می‌شود. به عنوان مثال: «ارباب براءت و اصحاب صناعت در ارتقا این درجه و انتهاج این شیوه بازانک جوامع همت بر آن مقصور کنند...» (۲۰۵).

— و منشآت خاصه که بصد ذکر کرابم اگر چه ازین صنعت و دیگر صناعتها خالی نباشد (۱۱).

عبارت «بصد ذکر کرابم» در سایر نسخ اینگونه آمده است:

م (گ ۲پ): خاصه که به صدد ذکر آن نیم.

پا (نسخه بدل بهمنیار): بصدد گرد کردن آنم.

ن (گ ۶ر): خاصه که بصدد ذکر آنم.

هر سه این ضبطها از آنچه در متن چاپی آمده بهتر است؛ بنابراین، حق این می‌بود که مصحح در چنین مواردی که نسخه‌ی اساس ناخوانا، ناقص یا نادرست بوده، به کمک نسخه‌بدلها این مشکل را رفع می‌کرد، و اگر از این راه توفیقی حاصل نمی‌شد، می‌توانست به شمّ زبانی و استنباط ادبی خود متوسل شود و تصحیح قیاسی انجام دهد و در پانویس به آن اشاره کند. در اینجا ضبط نسخه‌ی نورعثمانیه با توجه به معنای متن درست‌تر می‌نماید. همچنین در این عبارت دو نسخه (م و ن) «صنعتها» و دو نسخه (پا و ل) «صناعتها» آورده‌اند که باز با توجه به سیاق و معنی جمله، ضبط «صنعتها» درست‌تر است.

— و سالکان طریق کتابت اگرچه بر جاده راستی روند، در هر طرف از این مجموع با چند گونه طُرف دو چهار زنند و بر خلاف آنچه مشاهده است در مکتوبات کسانی که بدین علم موسوم بوده‌اند بر کلمات مکرر کمتر عثور یابند (۱۲).

نسخ م (گ ۳ر) و ن (گ ۶ر) و همین طور نسخه بدل بهمنیار (پا: گ ۱ر)

صورت «اگر» را به جای «اگرچه» ضبط کرده‌اند که کاملاً درست است. نسخ م و ن: واو پیش از «و بر خلاف آنچه...» را ندارد. پا و م صورت «مشاهد است» و ن «مشاهدت افتد» را دارد؛ و پا به جای «بدین»، صورت «درین» را آورده است که ضبط درست این جمله با توجه به نسخه‌ها این گونه است: «و سالکان طریق کتابت اگر بر جاده راستی روند، در هر طرف از این مجموع با چند گونه طرف دو چهار زند و بر خلاف آنچه مشاهده است، در مکتوبات کسانی که بدین علم موسوم بوده‌اند بر کلمات مکرر کمتر عثور یابند».

— و مقالید تقلد ملک جهانداری و زمام تصرف کار جهانیان به فرط عنایت و حسن رعایت ما سپرده (۱۳)

در نسخه بدل بهمنیار و همین طور نسخ م (گ ۴ر) و ن (گ ۶پ) جهان ثبت شده و درست‌تر است و مصحح این ضبط را بدون در نظر گرفتن معنای جمله در پاورقی آورده است.

ب. نمونه ضبطهای نادرست از اشعار<sup>۱</sup>

— درگه خلق همه زرق فریبست هوس کار درگاه خداوند جهان دارد و بس (۵۹)

مصرع اول این بیت در نسخه بدل بهمنیار و نیز م (۲۹پ) و ن (۲۴پ) به صورت «درگه خلق همه زرق و فریب است و هوس» ضبط شده که این صورت درست و معنادار است و باید اصلاح گردد. این بیت در متون دیگر نیز به همین صورت اصلاحی موجود در نسخه بدلها آمده است (نک: مرصاد، ص ۲۶؛ حکا دو، ص ۱۷۴؛ تاریخ شاهی، ص ۳۴).

— من جهد همی‌کنم قضا می‌گوید بیرون ز کفایت تو کاری دیگر است (۱۷۷)

۱. از دوست عزیز جناب آقای علی صفری آق‌قلعه برای در اختیار قرار دادن اشعار التوسل در منابع دیگر بسیار سپاسگزارم. ایشان که مدتی است بر اشعار فارسی در متون کهن کار می‌کند معتقد است با توجه به ضبط اشعاری که در التوسل آمده و در دیگر متون مثل لباب‌الالباب هم وجود دارد می‌توان نتیجه گرفت که ضبط اشعار در بسیاری موارد در نسخه چاپ شده التوسل درست نیست و مؤلف آن، گاه اشعار را به خواست خود تغییر می‌داده است. نمونه‌های ذکر شده در این نوشتار درستی نظر ایشان را تأیید می‌کند.

ل (۸۰پ)، ن (۷۰ر) و همین طور ضبط نسخه بدل بهمینار «کاری دگرست» آورده و قطعاً این ضبط درست است چرا که با ترجیح مصحح التوسل وزن شعر نادرست می‌شود. این بیت همچنین در متون دیگر هم‌دوره التوسل وجود دارد (نک: سمرقندی، اغراض: ۸۸، فرائد: ۱۰).

نکته قابل ذکر در مورد این بیت انتساب نادرست آن به حافظ است. محمدمین ریاحی در کتاب گلگشت در شعر و اندیشه حافظ (۱۳۷۴، ۳۸۰/۱) خبر از وجود این رباعی در نزهة المجالس داده و گفته است:

این رباعی در نزهة المجالس به شماره ۴۰۳۷ به نام فتوحی آمده، و او ظاهراً اثیر الدین فتوحی مروزی (در گذشته بعد از ۵۶۰) معارض انوری بوده و هجوهای انوری درباره او معروف است و غزلهای لطیفی از او در لباب/اللباب باقی مانده است. این رباعی در حافظ خانلری از چهار نسخه به شماره ۶ نقل شده است.

از آنجا که خانلری در تصحیح دیوان حافظ از نسخه‌های بسیار کهن بهره گرفته و با توجه به نوشته استاد ریاحی و وجود این بیت در سه متن کهن پیش از حافظ (التوسل و اغراض و فرائد) جای تردیدی نمی‌ماند که انتساب این شعر به حافظ سهوی کهن است و به اشتباه در دیوان حافظ وارد شده است.

— هزار سال ببايد که تا به باغ هنر ز شاخ دانش چون من گلبنی به بار آید (۲۰۸)

مصرع دوم این بیت در دو نسخه م (۱۷۷ر) و ن (۸۲پ) به صورت ذیل آمده است:  
ز شاخ دانش چون من گلی به بار آید

اما نسخه بدل بهمینار ضبط مصرع دوم را به صورت: «ز شاخ فضل چو من گلبنی به بار آید»، آورده که این ضبط به لحاظ رعایت وزن بهتر می‌نماید. ضمن این که از نظر معنا نیز صحیح است.

— ز حشمت تو رسیدم به نان و نام و مباد گسسته از مدد بنده جود حشمت تو (۲۶۹)

واژه «جود» در دو نسخه ن (۱۰۲پ) و نیز یا (نسخه بدل بهمینار) به صورت «جوق» آمده و جوق در فرهنگهای فارسی به دو معنای: مطلق گروه (جماعت از

جن و انس و گروه مرغان)، و بسیار کثیر ثبت شده است (فرهنگ معین). که معنای درستی به شعر می‌دهد. بهمینار این ضبط صحیح را به خاطر پابندی صرف به نسخه اساس در پاورقی آورده و ضبط نادرست را در متن داخل کرده است.

— دریاب که آتش جوانی چو آبیست بشتاب که بیداری دولت خوابیست (۲۹۱)

وزن در مصرع اول نادرست است. در پاورقی نسخه چاپی «آبست» و «خوابست» برای قافیه آمده که بهمینار باز هم همان صورت غلط در نسخه لیدن را به متن وارد کرده است. همان‌طور که نسخه‌بدلها نشان می‌دهند، واژه چو در این مصرع زاید است. این بیت نیز در متون دیگر با دو قافیه «آبست» و «آبیست» دیده شد که در ضبط نسخه‌بدلهای التوسل (گ ۱۱۱ ر ن؛ ۲۱۳ پ م) نیز وجود دارد (همچنین نک: مختارات، ص ۷۰).

— آن کس که کند دل خود اندیشه او اندیشه هر چه هست بر طاق نهد (۵۹)

مصرع نخست این بیت در پا (پاورقی ۵۹ چاپی) و م (گ ۲۹ پ) به صورت: «آن کس که کند جفت دل اندیشه او» و در ن (پ ۲۴) به صورت «جفت خود اندیشه او» آمده است.

از معنی بیت می‌توان تشخیص داد که ضبط «آن کس که کند جفت دل اندیشه او» صحیح است. البته در متون دیگر: «آن کس که نهد جفت دل اندیشه تو» هم آمده که برای ما ترجیح با ضبطهای التوسل است. این بیت در منابع دیگر نیز آمده است (از جمله نک: حکا یک: ۳۱۸، حکا دو: ۲۸؛ نزهة العقول: ۸۶ و ۱۹۸).

— و چون علم پادشاه بشهر درآید فتنه و غوغا بشهر نیاید (۱۲۷)

این بیت را بهمینار به صورت بالا ضبط کرده در حالی که در نسخه اساس او یعنی لیدن به صورت «فتنه و غوغا بشهر نیاید / چون علم پادشاه بشهر درآید».

آمده است. این بیت در نسخه بدل و در پاورقی به صورت

زحمت غوغا به شهر نیز نبینی چون علم پادشا به شهر برآید

آمده و مصحح نیز در پاورقی قید کرده که ظاهراً باید: چون علم پادشا بشهر درآید / فتنه و غوغا بشهر نیز نیاید» صحیح باشد. اما هیچ دلیلی برای این ظاهراً نیاورده و همچنین توضیحی نمی‌دهد که چرا ضبطی متفاوت از نسخه اساس و بدل را در متن قرار داده است. همچنین این بیت در م (گ ۱۲۶) و نیز منابع دیگر (نک: عین‌القضات، نامه‌ها: ۱ / ۳۸۹ و ۲ / ۳۴۰؛ غزنوی، مقامات، ص ۵۳؛ میدی، کشف الاسرار، ۲/۲۲۴؛ رازی، مرصادالعباد، ص ۲۰۶) به صورت:

زحمت غوغا به شهر نیز نبینی چون علم پادشه (یا پادشا) به شهر درآید  
آمده است و به نظر می‌رسد که ضبط درست‌تر این بیت همین صورت اخیر  
باشد. ضبط بیت در نسخه دیگر التوسل (ن: گ ۵۰) به صورت زیر است:  
زحمت غوغا بشهر نیز نبینی چون علم پادشا بشهر برآمد

— گر دسته گل نیاید از ما هم همیشه دیگ را بشایم  
این بیت در التوسل دو بار (ص ۲۰۸ و ۲۶۷) آمده و هر دو بار به یک صورت ضبط شده است. ضبط واژه «همیشه» در نسخه‌بدلها (م: گ ۱۷۷؛ ن: گ ۱۰۲؛ ل: گ ۱۱۰) نیز به همین صورت است تنها در دو مورد (م: گ ۲۱۲؛ ن: گ ۸۲) به صورت «هیزم» آمده است. از آنجا که این بیت در متون دیگر هم وجود دارد و در آنجا واژه «هیزم» ضبط شده است، ما نیز با توجه به ضبط متون کهن‌تر و نیز ضبط دو نسخه بدل التوسل «هیزم» را ترجیح داده‌ایم (از جمله نک: نصرالله منشی، کلیله، ص ۶۸؛ کاتب سمرقندی، اغراض، ص ۱۷۴).

— سیل اگر سنگ را بگرداند چون به دریا رسد فروماند  
(۱۳۵)

این بیت در م (۱۳۲) و در ن (۵۳) و ل (۱۳۲) به همین صورت ضبط شده اما در منابع دیگر به جای «اگر» واژه «مر» به کار رفته که به نظر معنادارتر است (نک: سمرقندی، اغراض: ۳۷۰؛ رازی، رساله عشق و عقل: ۹۲؛ عوفی، حکا دو: ۶۲).



## ۲. بدخوانیهای مصحح

یکی از مواردی که در تصحیح دوباره متون باید مورد توجه مصححان قرار بگیرد، دقت به خوانش مصححان پیشین در ضبط نسخه‌ها به خصوص نسخه اساس آنهاست. در ادامه نمونه‌هایی از بدخوانی نسخه اساس *التوسل* توسط مصحح می‌آید: — چون مبتدی به حفظ چند رسالت از این مکتوبات مستظهر شود در این فن تهذیبی تمام یابد و در هر شیوه که تحریر کند طبیعت را پیاده نبیند (۱۱).

واژه‌های مشخص شده در نسخ *التوسل* به صورتهای زیر آمده است:

ل (گ ۶ر): مستظهر، تهدی، شیوه، تحریر

م (گ ۲پ): مستظهر، [ناخوانا]، شیوه، تحدی

ن (گ ۶ر): مستظهر، تهدی، شیوه، تحدی

ضبط دو واژه «مستظهر» و «تهذیبی» در ویرایش بهمینار هم نادرست است و هم با ضبط نسخه دستنویس لیدن که اساس تصحیح آن روانشاد بوده، تفاوت دارد. مع ذلک، مشارالیه ضبط نادرست همان نسخه اساس را (که به صورت مستظهر و تهدی است) در ویرایش خود اصلاح کرده است بدون آنکه هیچ توضیحی در این مورد بدهد. همچنین بدون هیچ توضیحی واژه «شیوه» را به صورت «شیوه» ضبط کرده‌اند در حالی که این کار خلاف قواعد زبانی است و آوردن همزه به جای «ای» گونه‌ای زبانی قدیم است و دستکاری در آن درست نیست. بنابراین صورت صحیح این جمله با توجه به معنای آن و طبق ضبط نسخه‌بدلها این گونه است:

چون مبتدی به حفظ چند رسالت از این مکتوبات مستظهر شود در این فن تهدی تمام یابد و در هر شیوه‌ای که تحدی کند طبیعت را پیاده نبیند.

— به استظهار دولت قاهره ثبتها الله امیدوارم و به یمن ذکر مبارک خدایگانی وثوق دارم (۱۲).

بهمینار در ضبط این جمله دچار بدخوانی شده است. واژه «امیدوارم» در ل (گ ۶پ) و م (گ ۲پ، ۳ر) به صورت «امید دارم» آمده است. گرچه نسخه ن (گ ۶ر) — که آن زمان در اختیار مصحح هم نبوده است — این واژه را به صورت «امیدوارم»

دارد، اما از آنجا که نسخه م غالباً در بیشتر موارد اختلاف، ضبط‌های بهتری نسبت به نسخ دیگر دارد، ما نیز این ضبط را ترجیح می‌دهیم؛ و بدان سبب که مصحح *التوسل* در بسیاری موارد - به رغم تشخیص درست خویش - به ضبط لیدن پایبند بوده، ضبط این واژه را ناشی از بدخوانی وی گرفتیم و نه ترجیح تشخیص ایشان. لازم به توضیح است که گرچه تکرار دو باره فعل در یک جمله نوعی ضعف تألیف است و از کاتبی چون بغدادی بعید به نظر می‌رسد، با این حال با استناد به ضبط نسخ موجود و این که کاربرد ترکیب «امید دارم» به جای کلمه «امیدوارم» در *التوسل* (نسخه ن گ ۱۱۵؛ نسخه م گ ۲۴۱پ)) باز هم نمونه‌هایی دارد، برای پرهیز از دخالت سلیقه و ترجیح شخصی در تصحیح متن، ضبط «امید دارم» را نگه داشته و باقی ضبط‌ها را به عنوان اختلاف نسخ آورده‌ایم.

همچنین نسخه م واژه «خدایگانی» را به صورت «خداوندی» و نسخه ن به صورت «صدر الصدور الشرق و الغرب» آورده‌اند که در این مورد نیز بنا به دلیل ذکر شده ترجیح با ضبط «خدایگانی» است.

- و در صناعت ترسل وسیلتی بزرگ و ذریعتی مؤکد یابد و بدین سبب نام این مجموع التوسل الی الترسل نهاده آمد (۱۱).

دو واژه «صناعت» و «آمد» در نسخ م (گ ۲پ) و ن (گ ۶ر) به صورتهای «بضاعت» و «شد» آمده است. این جمله در بخشهای نخستین متن *التوسل* آمده است که نسخه بدل بهمینار (پا) در آن قسمت افتادگی دارد و فاقد آن است. لذا با توجه به ضبط‌های دقیق و درست‌تر نسخه م در اغلب موارد اختلاف نسخ، که باعث شده اعتماد بیشتری نسبت به این نسخه داشته باشیم، ترجیح نگارنده بر این است که متن چاپی در این جا نیز اصلاح گردیده و ضبط این دو نسخه به متن آورده شود. افزون که در تصحیح متون، درستی و اصالت را با ضبط غریب‌تر نسبت به ضبط‌های آشنا گرفته‌اند و «بضاعت ترسل» ترکیب غریب‌تری نسبت به «صناعت ترسل» است. بنابراین صورت درست جمله بدین گونه تصحیح می‌شود: «و در بضاعت ترسل وسیلتی بزرگ و ذریعتی مؤکد یابد و بدین سبب نام این مجموع التوسل الی الترسل نهاده شد.»

### ج. افتادگیها

از مقابله متن چاپی التوسل با دست‌نویسهای دیگر این اثر روشن می‌شود که مصحح هنگام تصحیح، برخی ترکیبات و واژه‌ها را از قلم انداخته است و چاپ ایشان سقطات و افتادگیهایی دارد؛ اجزایی که مکمل معنای جمله است و بدون آن، معنای عبارت به درستی درک نمی‌شود. باری، اگر ایشان حین مطابقت دادن نسخه‌ها با یکدیگر به این نتیجه رسیده‌اند که برخی از عبارات یا جملات، برافزوده کاتب دست‌نویس پاریس است، خوب بود در پاورقی به آن اشارتی می‌کردند و اگر چنین نبوده‌است، این پرسش به قوت خود باقی است که چرا آن جملات را در متن نیاورده‌اند. برای نمونه به موارد زیر اشاره می‌کنیم:

— اما شیوة اصلی و مختار حقیقی طبع من است و لا خصومة فی الشهوات ... (۱۱).

ن، م، و ل هر سه بعد از «اما» واژه «آنچ» را اضافه دارد که درست هم هست؛ چرا که مؤلف در صدد بازگو کردن روش خود در تألیف کتاب است و بدون آن معنای جمله به درستی فهمیده نمی‌شود. بنابراین صورت درست جمله چنین است: اما آنچ شیوة اصلی ...

مصحح بدون هیچ گونه توضیحی در پاورقی آورده‌اند که ظاهراً باید «طبع من» [بدون «است»] صحیح باشد در حالی که هر سه نسخه موجود التوسل و من جمله نسخه اساس ایشان واژه «است» را نیز دارند.

— به وامی که بر روزگار است ما را اگر او ندارد بدارمش مهلت اگر دولت آید و گر محنت آید به نزدیک ما هر دو را هست آلت (پاورقی ۲۹۴)

بهنیاز این ابیات را که در نسخه بدل او (گ ۱۰۴ر) وجود داشته‌اند در پاورقی آورده است. این دو بیت در نسخ دیگر التوسل نیز وجود دارد و باید در خود متن قرار بگیرد. مصرع دوم بیت اول در م (۲۳۸پ) «اگر او ندارد بدادمش مهلت» و در ن (۱۱۲ر) به صورت «اگر او ندارد بدادیم مهلت» آمده است. هر سه نسخه در ضبط

بیت دوم برابرنند. البته این ابیات در متون دیگر به صورتهای دیگری نیز ضبط شده اند (از جمله نک: حکا دو، ص ۱۴۴) که در اینجا مد نظر ما تنها ضبطهای متن التوسل است.

در حاشیه این ابیات در نسخه پاریس حرف «ز» رقم خورده است که مصحح آن را مشخصه کاتب برای برافزوده‌هایش در متن دانسته‌اند، در حالی که به نظر می‌رسد تشخیص مصحح در تفسیر علامت ز در حاشیه برخی شعرها از نسخه پاریس نیاز به تأمل و بازبینی دارد. زیرا این گونه ابیات در نسخ دیگر التوسل نیز دیده می‌شود و لذا منحصر به نسخه پاریس نیست؛ بنابراین این نمونه ابیات می‌تواند ناقض نظر مصحح التوسل باشد.

— و اخوان حسبتم دروعا فکانوها و لکن للاعدای  
(۲۹۳)

نسخه بدل بهمینار (پا: گ ۱۰۴) بعد از این بیت، بیتی زیر را افزون دارد که مصحح در پاورقی هیچ اشاره‌ای به این موضوع نمی‌کند:

کخلانی و اخوانی خلونا و نکتب عنهم درء لایادی

اگر چه در حاشیه این ابیات حرف ز که مصحح آن را علامت کاتب برای برافزوده‌هایش دانسته، آمده اما به این نکته هم باید اشاره می‌شد. و حق این بود که مصحح محترم احتمال می‌داد وقتی عبارتی از یک متن در یک نسخه — از دو نسخه موجود آن اثر — وجود دارد چه بسا در نسخ دیگری هم، که بعدها یافت گردد، وجود داشته باشد؛ بنابراین حذف این بیت بدون هیچ توضیح و اشاره‌ای به آن نادرست است.

#### نتیجه‌گیری

آنچه ذکر شد تنها چند نمونه‌ای بود تا لزوم بازبینی و بازنگری به این اثر ارزشمند روشن شود. با بررسی متن چاپی و نسخه‌بدلها می‌توان شواهد بسیاری در جهت اثبات لزوم تصحیح مجدد التوسل آورد.

با تصحیح و مقابله علمی این اثر می‌توانیم چایی قابل اطمینان از منشآت بهاء‌الدین به علاقمندان عرضه کنیم و این چاپ قطعاً سایر محققان را در زمینه‌های مختلف از جمله سبک شناسی، دستور زبان و ... یاری می‌کند. ضمن اینکه ضبطهای صحیح موجود در نسخ التوسل راهگشای متون دیگر نیز خواهد بود.

بی شک بیان اشکالات و ویرایش زنده‌یاد احمد بهمنیار از اهمیت کار بزرگ ایشان و زحماتی که در تصحیح التوسل الی الترسل از روی دو نسخه نه چندان مرغوب متحمل شده‌اند چیزی نمی‌کاهد.

### منابع

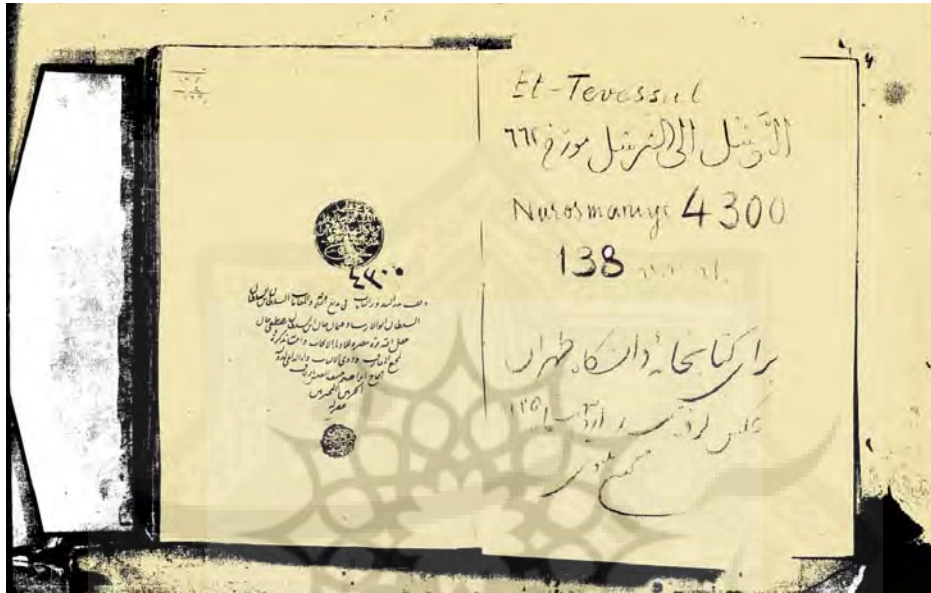
- بغدادی، محمدبن مؤید بهاء‌الدین، التوسل الی الترسل، به کوشش احمد بهمنیار، تهران ۱۳۱۵ ش.
- بهار، محمدتقی، ۱۳۵۵-۱۳۵۶، سبک‌شناسی، تهران، امیرکبیر.
- بهمنیار، احمد، مقدمه التوسل الی الترسل ← بغدادی.
- رازی، نجم‌الدین، مرصادالعباد، به کوشش محمدمبین ریاحی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۲ ش.
- رازی، نجم‌الدین، رساله عشق و عقل، به کوشش تقی تفضلی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۶ خ [چ ۵].
- ریاحی، محمدمبین، ۱۳۷۴، گلگشت در شعر و اندیشه حافظ، ج ۱، تهران، انتشارات علمی.
- سمرقندی، محمدبن علی ظهیری، اغراض السیاسة فی اغراض الریاسة، به کوشش دکتر جعفر شعار، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۹ ش.
- صفا، ذبیح‌الله، ۱۳۶۳، تاریخ ادبیات در ایران، تهران، فردوسی.
- عوفی، محمد، جوامع‌الحکایات و لوامع‌الروایات (باب اول از قسم اول)، تصحیح دکتر محمد معین، تهران، کتابخانه ابن‌سینا، ۱۳۳۵ ش. [حکا یک]
- عوفی، محمدبن محمد، جوامع‌الحکایات و لوامع‌الروایات (باب پانزدهم تا بیست و پنجم از قسم اول)، تصحیح دکتر امیربانو مصفا، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۷ ش، [حکا دو].
- عوفی، محمدبن محمد، نزهة العقول فی لطائف الفصول، به کوشش ایرج افشار و یاری جواد بشری، تهران، موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۹۰ ش.
- عوفی، محمدبن محمد، تذکرة لباب الالباب، عزیزالله علیزاده، تهران، فردوس، ۱۳۹۱.

- عین القضاة همدانی، عبدالله بن محمد، نامه‌ها (ج ۱ و ۲)، به کوشش علینقی منزوی و عقیف عسیران، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۷۷.
- غزنوی، سدیدالدین محمد، مقامات زنده پیل، تصحیح دکتر حشمت مؤید، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۴ [ج ۳].
- فرائد السلوک، ناشناخته، به کوشش دکتر نورانی وصال و دکتر غلامرضا افراسیابی، تهران، پاژنگ، ۱۳۶۸ ش.
- فرهنگ معین (ج ۱)، به همت جعفر شهیدی، تهران، امیرکبیر.
- المختارات من الرسائل، به کوشش غلامرضا طاهر و ایرج افشار و مریم میرشمسی، تهران، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۷۸ ش.
- منشی، ابوالعالی نصرالله، ترجمه کلیله و دمنه، استاد مجتبی مینوی، تهران، دانشگاه تهران و امیرکبیر، ۱۳۸۱ ش.
- المییدی، ابوالفضل رشیدالدین، کشف الاسرار و عده الابرار (ج ۲)، به کوشش علی اصغر حکمت، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳ ش.
- وراوینی، سعدالدین، مرزبان نامه، مقابله و تصحیح محمد روشن، تهران، اساطیر، ۱۳۷۶ ش.



تصویر صفحه نخست نسخه ۵۳۲۰ کتابخانه مجلس

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



تصویر صفحه نخست نسخه نور عثمانیه به شماره ۴۳۰۰

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی